

گلشن

■ گلشن مهر شناسنامه گلستان است

■ دوشنبه ۲ شهریور ماه ۱۴۰۵ / سال بیست و هشتم / شماره ۳۳۳۶ / ۸ صفحه / ۲۵۰۰ تومان

« ۴ - ۵ »



نسیم شمال

مرغوبترین برنج و خشکبار ایران

تماس: ۰۹۱۱۲۶۹۰۶۷۸ ☎

یادداشت اول

شیخ الرییس ابن سینا

■ با مسوولیت سردبیر

بزرگداشت نامداران ایران کهن و آنها که نامی در تاریخ برای ایران باز کرده اند بی گمان کاری ارزشمند است و اول شهریور روز شرف الملک، شیخ الرییس، حجه الحق، ابوعلی حسین بن عبدالله معروف به ابن سینا بود که روز پزشک نام نهاده اند، این روز را به همه پزشکان و تلاشگران عرصه سلامت شادباش می گویم. اما درباره شیخ الرییس اگر چه طبابت تنها فضیلت او نبود ولی جایگاه ابوعلی سینا در طبابت در اندازه ای بود که تا سالها آثار ایشان در مراکز بزرگ علمی جهان تدریس می شد. ابن سینا علاوه بر طبابت فیلسوف و دانشوری بود که با همه بزرگی متهم به کفر و زندقه شد و غزالی که شاگرد شاگردان او بود ابن سینا را کافر و بی دین خواند تا بیاموزیم تیغ جهالت همواره برنده است. ابن سینا با همه کوتاهی عمر پنجاه و چند ساله اش آنقدر به انسانها خدمت کرد که بشریت بعد از خود را مدیون خود کرده باشد. فیلسوف و طبیعی که عمده آثارش را به عربی نوشت اما همگان او را یک متفکر ایرانی می دانند و آن چنان که استاد مجتبی مینوی در نقد حال می آورد: وطن تنها مثنی خاک و آب و سنگ و ریگ نیست ایرانیت آن افکار و هنرها و آثار معتقدانی است که از ایرانیان بجا مانده است و زبان عربی هم که بزرگان ایران در انشای خود بکار برده اند یکی از آثار ایرانیت است. بر این اساس وقتی از ابو علی سینا سخن می گویم باید بدانیم از یک متفکر، طبیب و فیلسوف ایرانی سخن می گویم که حرفها، اندیشه ها و البته روشهایش در طبابت تا سالها برای دانشوران بعد از خود جذابیت داشته است. باید شایستگی فرزندی این بزرگان را تحصیل کنیم و رسیدن به این افتخار جز با جدیت در مسیر دانایی و کوشش در راه ارتقای جامعه ایرانی میسر نخواهد بود پس لازم است این را چون شرب مدام هر روز و شب بنوشیم که ایرانیت، رسالت سنگینی بر دوش هر یک از ما ایرانیان است که باید آن را به شایستگی به نسل بعدی انتقال دهیم تا وظیفه پاسداری خود از سنت ها و معارف گذشتگانمان را به انجام رسانده باشیم.

آزمون بزرگ گلستان در آسیای میانه

سفر به دوشنبه



فاطمه سراوانی- گلستان دیگر نمی‌تواند به آسیای میانه فقط به چشم بازاری نزدیک برای فروش چند قلم کالا نگاه کند. جغرافیای استان، منطقه آزاد اینچه‌برون، دسترسی به شبکه ریلی و زمینی و البته ظرفیت‌های کشاورزی و صنایع غذایی، مجموعه‌ای از مزیت‌ها را در اختیار گلستان گذاشته که می‌تواند جایگاه این استان را از یک صادرکننده معمولی به یکی از حلقه‌های موثر زنجیره تجارت منطقه‌ای ارتقا دهد. از همین منظر، سفر اخیر استاندار گلستان و هیات همراه که متشکل از برخی مدیران دستگاههای اجرایی مرتبط و بخش خصوصی است به تاجیکستان را باید فراتر از یک سفر معمول اقتصادی دید. سفر با نمایشگاه و نشست‌های تجاری آغاز شد، اما نقطه مهم آن، امضای سند همکاری جامع اقتصادی و صنعتی با وزیر صنایع و تکنولوژی‌های نوین تاجیکستان بود. اهمیت این سند البته بیش از متن و عناوین آن، به نوع نگاهی برمی‌گردد که در این سفر دنبال شد؛ نگاهی که می‌گوید تجارت گلستان با آسیای میانه باید از فروش مقطعی کالا عبور کند و به سمت شکل‌دادن به زنجیره‌های ارزش و تامین پایدار برود. براساس آنچه از محتوای

مذاکرات به دست آمده، علی‌اصغر طهماسبی در این سفر بر همین موضوع تاکید داشت. تاجیکستان برای گلستان نباید صرفاً مقصد صادرات باشد؛ می‌تواند بازاری برای سرمایه‌گذاری، انتقال دانش و فناوری و حتی ایجاد بخشی از زنجیره تولید باشد. در سوی دیگر، ظرفیت‌های گلستان در حوزه‌هایی مانند صنایع غذایی، طیور، شیلات و صنایع دستی با بخشی از نیازهای بازار تاجیکستان هم‌خوانی دارد. در دیدار استاندار گلستان با شیرعلی کبیر، وزیر صنایع و تکنولوژی‌های نوین تاجیکستان، این ظرفیت‌ها به شکل مشخص‌تری مطرح شد. طرف تاجیک بر نیاز کشورش به سرمایه‌گذاری ایرانیان در صنایع غذایی، به‌ویژه صنعت طیور، تاکید کرد و خواستار انتقال مهارت و تجربه ایران در حوزه صنایع

ایران و قزاقستان به این کشور رفت. در آن سفر نیز توسعه همکاری‌های کشاورزی، تبادل فناوری و شناسایی زمینه‌های جدید همکاری میان گلستان و مناطق مختلف قزاقستان دنبال شد. بنابرین، آنچه امروز اهمیت دارد تعداد سفرها یا تفاهم‌نامه‌ها نیست؛ مسئله اصلی این است که آیا این رفت‌وآمدها می‌توانند مسیر تجارت گلستان را تغییر دهند یا نه. آمارهای تجاری استان(البته اگر بتوان در صحت آنها تردید نکرد) نشان می‌دهد در سال گذشته، کالاهای گلستان به ۲۸ کشور صادر شد و ترکمنستان، قزاقستان و ازبکستان در میان مهم‌ترین شرکای تجاری استان قرار داشتند. صادرات گلستان از نظر وزنی ۱۹ درصد و از نظر ارزشی چهار درصد افزایش یافت و کالاهایی مانند پنیر، خوراک آبزیان، ید، تخم‌مرغ، پسته، لوله‌های آهنی و محصولات پتروشیمی در سیدصادراتی استان قرار گرفتند. در گزارش دیگری نیز ارزش صادرات گمرکات گلستان در سال گذشته بیش از ۱۸۳ میلیون دلار اعلام شده که نسبت به سال قبل رشد ۶۳ درصدی داشته است. قزاقستان نیز در میان مقاصد صادراتی استان قرار دارد.

ادامه در صفحه ۲

ادامه تیر اول

این ارقام، صرف‌نظر از تفاوت در شیوه محاسبه و مبنای آماری، یک‌واقعیت‌روشن را نشان می‌دهند، بازار آسیای میانه سهم قابل‌توجهی در تجارت خارجی گلستان پیدا کرده و دیگر نمی‌توان آن را صرفاً یک فرصت احتمالی در آینده دانست. با این حال، شاید مهم‌تر از خود آمار صادرات، اتفاقی باشد که باید در زیرساخت تجارت استان رخ دهد. مذاکره با قزاقستان، ترکمنستان، ازبکستان یا تاجیکستان زمانی ارزش اقتصادی پیدا می‌کند که کالا بتواند سریع، ارزان و با زمان‌بندی قابل پیش‌بینی به مقصد برسد. در چنین شرایطی، اینچه‌برون یک گمرک نیست؛ می‌تواند به سکوی اصلی گلستان برای ورود به بازارهای آسیای میانه تبدیل شود. تلاش برای تکمیل زنجیره لجستیکی از بندر ترکمن‌باشی تا اینچه‌برون و سپس جنوب ایران نیز دقیقاً در همین چارچوب معنا پیدا می‌کند. انتخاب اینچه‌برون به عنوان محل راه‌اندازی مراکز تجارت مشترک کشورهای عضو اکو در نشست نمایندگان تجاری ایران، ترکمنستان و قزاقستان نیز نشانه‌ی دیگری از ظرفیت این منطقه است. در واقع، اینجا همان نقطه‌ای است که دیپلماسی اقتصادی باید با پروژه‌های داخل استان گره بخورد. سفر خارجی اگر

نتواند در نهایت به حرکت یک واگن بیشتر، کاهش هزینه حمل، افزایش ظرفیت یک کارخانه، ایجاد یک خط تولید جدید یا ورود یک سرمایه‌گذار خارجی منجر شود، اثر آن در زندگی اقتصادی استان چندان محسوس نخواهد بود. از این منظر، تاجیکستان را هم باید بخشی از یک پازل بزرگ‌تر دید. قزاقستان برای گلستان هم بازار مهمی است و هم می‌تواند در تامین برخی نیازها نقش داشته باشد. ترکمنستان به دلیل همجواری، دروازه بلافصل استان به آسیای میانه و یکی از شرکای دیرینه آن است. ازبکستان بازاری بزرگ و رو به توسعه دارد و تاجیکستان می‌تواند به این شبکه اقتصادی عمق بیشتری بدهد. این کشورها البته نباید در سیاست تجاری گلستان جزیره‌های جدا از هم باشند. مزیت واقعی زمانی شکل می‌گیرد که استان بتواند آنها را در قالب یک منظومه اقتصادی به هم مرتبط کند؛ از تولید و فراوری در داخل گلستان گرفته تا حمل‌ونقل، ترانزیت، توزیع و دسترسی به بازارهای نهایی. تحولات منطقه نیز اهمیت این موضوع را بیشتر کرده است. آسیای میانه به دنبال گسترش مسیرهای ریلی و تجاری و افزایش ارتباط با بازارهای جهانی است. در چنین فضایی، رقابت آینده فقط بر سر این نیست که چه کشوری محصول بهتری تولید می‌کند؛ زمان و هزینه رساندن کالا به بازار هم به اندازه کیفیت و قیمت اهمیت پیدا می‌کند. هر استانی که بتواند این زنجیره را سریع‌تر و مطمئن‌تر تکمیل کند، سهم بیشتری از

تجارت منطقه خواهد گرفت. با همه اینها، نباید در میان خبرهای خوش اقتصادی یک واقعیت ساده را فراموش کرد، تفاهم‌نامه، صادرات نیست. سفر خارجی به معنای سرمایه‌گذاری انجام‌شده نیست و حضور تجار در یک نمایشگاه‌نیز الزاماً به قرارداد منتهی نمی‌شود. اعتبار واقعی سفر تاجیکستان از ماه‌های آینده مشخص خواهد شد؛ زمانی که معلوم شود چند قرارداد واقعی از دل مذاکرات بیرون آمده، چه میزان سرمایه‌گذاری مشترک شکل گرفته، صادرات کدام محصولات افزایش یافته و چه پروژه‌هایی برای انتقال فناوری به مرحله اجرا رسیده‌اند. گلستان اکنون مجموعه‌ای از مزیت‌های کم‌نظیر را در اختیار دارد. از یک سو به دریای خزر و بازارهای شمالی نزدیک است و از سوی دیگر از مسیر اینچه‌برون به آسیای میانه متصل می‌شود. منطقه آزاد اینچه‌برون نیز با هدف ایفای نقش در تجارت با ترکمنستان، قزاقستان و چین در حال توسعه است و می‌تواند در آینده به یکی از نقاط مهم تجارت منطقه‌ای ایران تبدیل شود. اما هیچ‌کدام از این ظرفیت‌ها به خودی خود ثروت ایجاد نمی‌کنند. جغرافیا زمانی به مزیت اقتصادی تبدیل می‌شود که زیرساخت، سرمایه، مدیریت و برنامه مشخص پشت آن قرار داشته باشد. به همین دلیل، سفر تاجیکستان زمانی واقعا یک سفر راهبردی خواهد بود که اثر آن را بتوان در کارخانه، مزرعه، بندر، راه‌آهن، بازار و در نهایت در حساب صادرکننده گلستان مشاهده کرد. برای رسیدن به این نقطه، هر تفاهم‌نامه باید از همان ابتدا یک نقشه اجرایی داشته باشد یعنی زمان‌بندی مشخص،

دستگاه مسئول، شریک بخش خصوصی، هدف صادراتی و شاخصی که بتوان با آن میزان پیشرفت را اندازه گرفت. در غیر این صورت، تفاهم‌نامه‌ها به فهرستی بلند از اسناد همکاری تبدیل می‌شوند که اثر آنها در اقتصاد واقعی استان به سختی قابل اندازه‌گیری است. گلستان به یک نقشه‌ی روشن برای آسیای میانه نیاز دارد؛ نقشه‌ای که قزاقستان، ترکمنستان، ازبکستان و تاجیکستان را بازارهای جداگانه نبیند، بلکه آنها را بخش‌هایی از یک منظومه اقتصادی به هم پیوسته تلقی کند. اگر چنین نگاهی در سیاست‌گذاری استان تثبیت شود، سفرهای خارجی مجموعه‌ای از دیدارها، نشست‌ها و عکس‌های خبری نخواهند بود. آن وقت هر سفر می‌تواند بخشی از یک مسیر بزرگ‌تر برای ارزآوری، رونق تولید، ایجاد اشتغال و افزایش سهم ایران از تجارت رو به رشد آسیای میانه باشد. از این منظر، سفر اخیر استاندار گلستان و هیات همراه به تاجیکستان را می‌توان گامی مهم دانست؛ اما نباید آن را پایان راه تلقی کرد. اتفاق اصلی از روز بازگشت هیات ایرانی آغاز می‌شود، اینکه چه میزان از آنچه در دوشنبه پشت میز مذاکره مطرح شد، در گرگان، گنبدکاوس، علی آبادکتول و دیگر شهرهای استان، در کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی، به قرارداد، سرمایه‌گذاری، انتقال فناوری و صادرات واقعی تبدیل خواهد شد. این همان آزمونی است که نشان می‌دهد سفر تاجیکستان یک رویداد خبری بوده یا واقعا آغاز فصل تازه‌ای در سیاست اقتصادی گلستان.

مویرگی رو نادیده گرفته!
چون بظاهر از نویسندگان اصلی روزنامه تون هست، شایسته تر بود قبلش با گروه های دخیل در این چرخه گفتگو می شد تا مطلب جامع تر به زوایای مختلف این داستان می پرداخت.

تا به کی توسعه‌ی اقتصادی را به مثابه جنگ بایستی نگریم؟
آیا در صلح نمیتوان به توسعه‌ی اقتصادی رسید.
به نظرم بهتر است کمی از ادبیات «جنگ اقتصادی» فاصله بگیریم. تحریم و فشار خارجی واقعیت دارد، اما اگر همه مسائل را با عینک جنگ ببینیم، ضعف‌های مدیریتی، بوروکراسی و ناکارآمدی زیرساختی به حاشیه می‌روند.
اینچه‌برون بیش از آنکه میدان جنگ باشد، یک فرصت توسعه و رقابت اقتصادی است و سرمایه‌گذار هم «فرمانده جنگ» نیست؛ شریک توسعه است. به نظرم این زاویه دید، مقاله را علمی‌تر و اثرگذارتر می‌کند.



سلام یادداشتی که برای ۳۶ مرداد روز آزادسازی اسرا نوشته بودید به دلمان نشست خدا خیرت بده.

صدای مخاطبان

۱۴ سند برای توسعه

■ فاطمه سراواتی

رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گلستان در نشست خبری گفته است تدوین اسناد توسعه ۱۴ شهرستان استان تقریباً به پایان رسیده؛

در گلستان اینقدر سند زیاده که میشه اسمش رو گذاشت سنداستان ولی در عمل هیچستان

سلام
همان تشخیص است بدون نسخه و راه حل
ما ۳۲ تا سند داریم ولی مشکل ما کمبود سند نیست. مشکل اینه که کسی دنبال اجرای این سندها نیست. تشخیص مشکل رو داریم ولی کسی نسخه اجرایی نمی‌نویسه و دنبال درمانش هم نیست.

این مطلب کمبود دارو و بخشی نگر هست و کل چرخه دخیل در درمان از تولید، توزیع و فروش



سلام و درود نتایج تحقیق بعمل آمده حاصل زحمات محققان و پژوهشگران بسیارمفید و ارزنده است لیکن درعرصه عملیات و اجراء ساز و کارخاصی را میطلبد ازجمله استفاده از امکانات در اختیار تصمیم گیرنده گان، مجریان و پیشقراولان است ابتدا اراضی مربوط به سازمان کشاورزی و تحقیقات، شرکتهای زراعی دولتی وغیردولتی پیشقدم اجرای دست آوردهای تحقیقاتی بویژه کشت بدون خاکورزی شده سپس کشاورزان بامشاهده عینی نتایج راغب به انجام اقدامات مشابه درمزارع خودشوند و روشهای نوین نهاده گردد



سلام
کدوم دوستدار گرگان ؟

کجا هستند این دوستاران گرگان و بافت تاریخی؟
همه رفتن بالای شهر و می‌نالد و صیاد و سروش و گلشهر، دم از حفظ بافت تاریخی می زنن

با سلام یادداشت هادی راشد درباره رازآلودگی زندگی علی شریعتی صرفنظر از قلم مغلق نویسنده محترم جالب و خواندنی بود اما نکته ای که نظرم را جلب کرد این بود که از هادی راشد هیچ تصویری در اینترنت نیست!! علی القاعده از فردی فاضل مانند ایشان حداقل باید یکی دو تصویر در اینترنت موجود باشد!!

توضیح گلشن مهر : ایشان دانش آموخته دانشگاه تهران هستند و پژوهشگر زبان و ادب فارسی ولی علاقه ای به انتشار تصویر ندارند اما کاتال تلگرامی ایشان در دسترس است.

درو- بی مقدمه باید سپاس خود را در مورد انتخاب موضوع و شیوایی قلمتان برای نوشتن یادداشت اول روز شنبه ۳۱ مرداد ۱۴۰۵ روزنامه گلشن مهر ابراز نمایم.اولین چیزی که به ذهنم خطور کرد و شما به آن اهتمام ورزیده اید حس احترامی است که از قلمتان تراویده و خواننده ای که خاطره ای از آن بزرگمرد دارد را با شما و واژه واژه ی یادداشت خوینتان، یار و همراه می کند.با نام زنده یاد استاد آقای دکتر پرویز ناتل خانلری در دهه ۴۰آشنا شدم.بوی کتابهای درسی مدرسه بویژه کتاب فارسی دبستان با جلد کاهی و نام دکتر ناتل خانلری در اولین صفحات اگر اشتباه نکنم در خاطرم مانده است. کتاب دستور زبان فارسی او را در خاطر دارم.

اشاره شما به شعر عقاب بسیار به جا و خردمندانه بود، باخواندن این یادداشت بیشتر به روحیات و دلبستگی های شما به این آب و خاک مرد پرور آشنا شدم. از خدای یکتا برایتان تندرستی،شادمانی ،سربلندی وپویایی ماندگار آرزو می کنم.

یززدان واز ما بر آنکس درود

که تارش خرد باشد وداد پود

فردوسی

بالاحترام-رحیم داوریان

به بهانه ۴ شهریور، سالمرگ بیژن نجدی



مرگ در آستانه‌ی استعاره

نگاهی به «شب سهراب‌کشان» از بیژن نجدی



مهدی جلیلی

او در دل همین شباهت، یک وارونگی ظریف و تعیین‌کننده جای می‌دهد. سهراب در جست‌وجوی دانستن چیزی از گذشته است؛ این‌که آیا رستم، حریفی که در برابرش ایستاده، همان پدر ناشناخته‌ی اوست یا نه؟ مرتضی اما، در جست‌وجوی دانستن سرانجام یک داستان است؛ چیزی که هنوز رخ نداده، چیزی در آینده. این تفاوت جهت و گذشته در برابر آینده، دقیقاً همان نقطه‌ای است که تراژدی نجدی از تراژدی فردوسی فاصله می‌گیرد. سهراب قربانی ندانستن یک هویت است؛ مرتضی قربانی ندانستن یک پایان. و در این میان، طنزی تلخ نهفته است: مخاطبی که به دلیل کُری و لالی‌اش از زبان

(وقتی که یکی از تیرک‌های سقف افتاد، فردوسی سرش را برگرداند و به سردارانش گفت: «بروید آن آتش را خاموش کنید!») این لحظه، که در نگاه نخست ممکن است شوخی یا غافلگیری صرف به نظر برسد، در واقع اجرای دقیق یکی از تکنیک‌های شاخص داستان‌نویسی پسامدرن است: فراداستان تاریخ‌نگارانه، یعنی درهم‌تنیدن آگاهانه‌ی سند تاریخی - اسطوره‌ای با بافت داستانی معاصر، به گونه‌ای که خواننده دیگر نمی‌تواند مرز میان «متن مقدس» شاهنامه و «روایت داستانی» نجدی را به‌روشنی ترسیم کند. او سه بار دیگر نیز فردوسی را در متن داستانش حاضر می‌کند:



بیژن نجدی از آن دسته نویسندگانی است که در ادبیات داستانی معاصر ایران، مرزی میان شعر و نثر باقی نگذاشت. او که تنها یک مجموعه داستان در زمان حیاتش منتشر کرد - یوزپلنگانی که با من دویده‌اند - با همان یک کتاب، جایگاهی در تاریخ داستان‌نویسی فارسی برای خود ساخت که کمتر نویسنده‌ای با حجمی این‌چنین محدود به آن دست یافته است. در میان ده داستان این مجموعه، «شب سهراب‌کشان» جایگاهی ویژه دارد؛ مرگ در این داستان، رخدادی مستقیم و خام نیست، بلکه همچون سایه‌ای که همیشه از پشت پرده‌ای دیگر بر ما می‌تابد، ظاهر می‌شود. همین ویژگی است که عنوان این یادداشت را رقم زده است: مرگ در این داستان، هرگز به‌طور کامل از دل استعاره بیرون نمی‌آید؛ همیشه در آستانه‌ی آن باقی می‌ماند.

ماجرای داستان حول شخصیت مرتضی می‌گذرد؛ جوانی کر و لال که در شب برگزاری نمایش پرده‌خوانی سنتی از روایت نبرد رستم و سهراب از شاهنامه حضور دارد. به تدریج، سرنوشت این جوان خاموش با سرنوشت سهراب، پهلوان جوان شاهنامه که به دست پدر خویش کشته می‌شود، درهم می‌تند تا آنجا که مرگ واقعی مرتضی و مرگ نمایشی سهراب بر پرده‌ی نقالی، در یک لحظه‌ی واحد به هم می‌رسند. نجدی با این ترفند، فاصله‌ی میان روایت اسطوره‌ای و واقعیت داستانی را به حداقل می‌رساند و خواننده را در وضعیتی قرار می‌دهد که دیگر نمی‌تواند با قطعیت بگوید کدام مرگ، مرگ «واقعی» داستان است.

آنچه این توازی را از یک تمثیل ساده فراتر می‌برد، ظرافتی است که نجدی در طراحی شباهت و تفاوت میان دو شخصیت به کار برده است. منتقدانی که به بررسی ساختار اسطوره‌ای این داستان پرداخته‌اند، میان مرتضی و سهراب چند وجه اشتراک برشمرده‌اند: هر دو جوان‌اند، هر دو پرسش‌گرند، و هر دو بی‌صبر و بی‌قرار. اما نجدی این توازی را عیناً بازتولید نمی‌کند؛

محروم مانده، ناچار است پایان داستان را نه از طریق کلام، که صرفاً از طریق تصویر پرده دریابد و همان تصویر است که سرانجام او را از پای درمی‌آورد.

یکی از جسورانه‌ترین تصمیم‌های نجدی در این داستان، وارد کردن خود فردوسی به عنوان شخصیتی درون روایت است. در لحظه‌ای از داستان، تیرکی از سقف فرومی‌افتد و فردوسی سراننده‌ی شاهنامه، حکیم طوس، چهره‌ای که در ذهن خواننده صرفاً باید در جایگاه مؤلف متنی هزارساله باقی بماند، سرش را برمی‌گرداند و کمک می‌خواهد:

(هنوز فردوسی نتوانسته بود برود روی استخوان‌های دراز کشیده‌اش، دراز بکشد. در تمام این هزار سال او ندیده بود کسی مثل مرتضی لای پوته‌های تمشک با آن همه دلشوره بدود و بتواند بی هیچ صدایی آن همه داد بکشد.)

راوی نیز در همین راستا میان دو نقطه‌دید در نوسان است؛ این جابه‌جایی مداوم دیدگاه، بی‌ثباتی معرفت‌شناختی‌ای را به خواننده منتقل می‌کند که خود داستان نیز از آن رنج می‌برد؛ هیچ نقطه‌ی ثابتی برای «دیدن» حقیقت ماجرا وجود ندارد؛ همه‌چیز از جمله خود مرگ، از پشت زاویه‌ای نسبی

و لغزنده روایت می‌شود. زبان نجدی در این داستان نیز خود بخشی جدایی‌ناپذیر از همین استراتژی «مرگ در آستانه» است. توصیف دایره‌ی زرد نور فانوس که «توی حیاط نشسته است»:

(از روی همان پله‌ی اوّل خودش را انداخت کنار یک دایره‌ی زرد که پای فانوس در حیاط نشسته بود.)

در جهان این داستان، حتی ساده‌ترین کنش‌های ادراکی نیز مستقیم و بی‌واسطه رخ نمی‌دهند. همه‌چیز باید از صافی یک استعاره یا تشبیه عبور کند تا معنا بیابد. مرتضی، که به دلیل ناتوانی جسمانی‌اش از شنیدن و گفتن محروم است، ناگزیر است جهان پیرامونش را تنها از طریق تصویر و نشانه درک کند؛ و همین بی‌واسطگی خاص ادراک اوست که او را مستقیماً به دام همان تصویری می‌اندازد که در نهایت جانش را می‌ستاند. نثر نجدی، با وفور تشبیهات حسی و صورخیال غافلگیرکننده، خواننده را نیز در همین وضعیت مشارکت می‌دهد: ما نیز، همچون مرتضی، ناچاریم مرگ را نه به‌طور مستقیم، بلکه از دریچه‌ی زبانی شاعرانه و میانجی تجربه کنیم.

باید توجه داشت که این خوانش، تنها یکی از افقهای تفسیری‌ای است که «شب سهراب‌کشان» در اختیار خواننده و منتقد قرار می‌دهد. برخی پژوهشگران این اثر را از منظر نقد شالوده‌شکنانه بررسی کرده‌اند و به تناقض‌های درونی متن و بازی آن با سلسله‌مراتب سنتی روایت پرداخته‌اند؛ برخی دیگر بر جنبه‌ی بینامتنی داستان و شیوه‌ی معاصرسازی حماسه در آن متمرکز شده‌اند. تنوع این رویکردها خود گواهی است بر غنای متنی که نجدی، با وجود ایجاز داستان کوتاهش، در اختیار خوانندگان و پژوهشگران ادبیات فارسی نهاده است.

در نهایت، «شب سهراب‌کشان» نشان می‌دهد که مرگ در جهان داستانی بیژن نجدی هرگز رخدادی خام و بی‌واسطه نیست. مرگ همواره باید از میان یک منظومه‌ی فرهنگی و اسطوره‌ای مثلاً شاهنامه‌ی فردوسی عبور کند تا به خواننده برسد و معنا بیابد. نجدی با واردکردن فردوسی به درون روایت، و با آفریدن قربانی مدرنی (مرتضی کر و لال) در برابر قربانی کهن اسطوره (سهراب)، نشان می‌دهد که استعاره نه صرفاً ابزاری زیبایی‌شناختی، بلکه خود محل وقوع مرگ است. مرگ در این داستان همیشه یک گام آن‌سوتر از زبان می‌ایستد، در همان آستانه‌ای که هرگز به‌طور کامل از دل استعاره بیرون نمی‌زند و شاید همین ویژگی است که «شب سهراب‌کشان» را، سال‌ها پس از درگذشت نویسنده‌اش، همچنان یکی از تأمل‌برانگیزترین داستان‌های کوتاه ادبیات معاصر فارسی نگاه داشته است.

روانش شاد.

یادداشت

خطا و صواب در اندیشه سعدی



دکتر محمدعلی خالدیان، گرگان

یکی از اصول و مبانی تفکر مکتب کلامی امام اشعری این است که همه مذاهب اسلامی برحق‌اند و بر مدار حق می‌چرخند و اختلافی اگر دارند مربوط به خطا و صواب است نه حق و باطل. به بیان دیگر اختلاف بین مذاهب‌ها و پیروان مذاهب از قبیل اختلاف بین حق و باطل نمی‌باشد؛ بلکه اختلاف درون دینی است که از آن به اختلاف در خطا و صواب تعبیر می‌شود. به عنوان مثال در علم کلام، معتزلیان می‌گویند کسی که مرتکب گناه کبیره می‌شود اگر توبه نکند و بمیرد به جهنم می‌رود و اشاعره می‌گویند عقوبت دارد و کیفر می‌شود ولی به جهنم نمی‌رود در این موضوع اشاعره دیدگاه خود را بر صواب و معتزلیان را برخطا می‌دانند و معتزله هم دیدگاه خود را بر صواب و اشاعره را بر خطا می‌دانند این دو دیدگاه هر دو زیر مجموعه حق‌اند و این اختلاف‌های فقهی و کلامی که بر مدار استنباط‌های مختلف صورت می‌گیرد همه از این قبیل‌اند و باعث نمی‌شود که مذاهب‌ها از دایره حق خارج شوند یا مذهبی خود را حق و دیگری را باطل بشمارد در این مقدار هم که خود را بر صواب می‌دانیم باید خود و تفکر خود را صد در صد و به صورت قطعی برصواب ندانیم باید این احتمال را هم بپذیریم ممکن است طرف مقابل ما بر صواب باشد و ما برخطا، استاد سخن سعدی بزرگ، برای تبیین و تحلیل این موضوع در بوستان داستانی را نقل می‌کند که شخصی از امام علی (ع) سوالی را می‌پرسد و امام علی به علم و اندیشه‌ی خود آن پرسش را جواب می‌دهد در همین هنگام شخصی دران مجلس به پا خاست و به جواب امام علی، اعتراض کردند حضرت امیر از جواب آن شخص ناراحت که نشدند بلکه آن شخص را تشویق کردند و فرمودند، اگر شما بهتر می‌دانید بفرمایید و آن شخص مطلب را پخته و پرداخته جواب دادند و حضرت شاه مردان جواب ایشان را پسندیده و فرمود: من بر خطا بودم و او بر صواب، زیرا کسی که علم او جامع و محیط است، فقط خداوند متعال است که خطا در علم او راه ندارد نتیجه‌ای که از این داستان می‌شود گرفت، این است که باید مسلمانان خود را یک خانوادگی فکری بدانند که همگی بر محور توحید و پیروی از حضرت رسول(ص) می‌باشند و اختلاف‌های جزئی و تاریخی را نادیده بگیرند و در شرایط بحرانی جهان کنونی با هم یکپارچه و متحد باشند. و بزرگان خود را چون مولانا، سعدی و ... را الگوی خود قرار دهند.

کسی مشکلی برد پیش علی

مگر مشککش را کند منجلی

امیر عدو بند مشکل گشای

جوابش بگفت از سر علم و رای

شنیدم که شخصی در آن انجمن

بگفتا چنین نیست یا ابالحسن

نرنجید از او حیدر نام جوی

بگفت ار تو دانی از این به بگوی

بگفت آنچه دانست و بایسته گفت

به گل چشمه‌ی خور نشاید نهفت

پسندید از او شاه مردان جواب

که من بر خطا بودم و او بر صواب

به از من سخن گفت و دانا یکی است

که بالاتر از علم او علم نیست

(بوستان سعدی، باب چهارم: در تواضع)

شکم‌هایشان به پشت چسبیده بود.
تلویزیون خود شاطر اما، لبریز از آب بود!



اما صداتو خوب می‌شناسم
هر جا صداتو بشنوم اونجا
میامو دردامو به تو می‌گم
لیلای توو پیچ و خم رویا

مگسی پشت توری است

محمد شعبانی، گرگان

رنگی رقیق از لب تو توری قوری است
فنجان از استخوان و دوست‌بلوری است
فنجان به لب رسیده و نزدیک می‌شود
هر چند که به نسبت من جای دوری است
تو چای می‌خوری و همه کیف می‌کنند
باید ببینی اش که بفهمی چه جوری است
فنجان به رقص آمده قندان به قهقهه
قوری به ساز آمده در میز شوری است
ما توی کافه ایم و دو تا چای می‌خوریم
آن‌سوی کافه هم مگسی پشت توری است
هی با تلاش در تو و فنجان نگاه را
تکرار می‌کنم... مگسی پشت توری است
باید تمرکز به تو باشد، به چای، تو
باید تمرکز... مگسی پشت توری است
من به مگس و صدای وزوزش
حساسیت ندارم
من به صدای وزوز مگسی پشت توری
است

با عصبانیت از سرجایم بلند می‌شوم،
به پشت توری می‌رسم و مگس سمج
را با پشت فنجان له می‌کنم. بعد
برمی‌گردم و سر جایم می‌نشینم.
تجدید مطلع:

جداً که دوست داشتن تو ضروری است
انگار عاشق تو شدن فعل زوری است
یک جور دست می‌بری و چای می‌خوری
یک جور... لاشه‌ی مگسی پشت توری
است



سد که شکست و سیلاب کوچه‌پس‌کوچه‌ها را
گرفت، مردم دست‌به‌کار شدند تا آنکه
آب توی خانه‌هایشان بیفتد؛ فرش، تلویزیون و لوازم
برقی‌شان را روی پشت‌بام‌ها بکشند. شاطرعباس اما،
بی‌خیال اسباب و وسایل خانه‌اش به‌دو، خودش را
پاشنه‌ی درب مغازه‌اش گذاشت و کیسه‌های بزرگی
را هناسه‌زنان روی پشت‌بام می‌کشید.

بعضی ریشخند زدند:

«پیرمرد دیوانه، روی سقف مغازه‌اش، سنگر
می‌سازد!»

در بحبوحه‌ی سیل، زمانی که آب تا کمرکش
دیوارها بالا آمد و گزارشگر صداوسیما، خودش را
به محل رساند تا نخستین اخبار را از وضعیت
سیل مخابره کند، همه‌ی تلویزیون‌ها یکباره پر شد
از تصویر نان‌های داغی که شاطرعباس با همان
کیسه‌های آرد می‌پخت و بدون چشم‌داشت، پیش
روی مردم سیل‌زده‌ی می‌گذاشت که از گرسنگی،

تا گلوله‌هایشان را بخورند
به او بگویند دوستش دارم
اما آرام
می‌بینید همه چیز عوض می‌شود.

سهمم جاده بود و شب



احمد فجری بامری، علی‌آباد کتول

وقتی که سرمای عجیب عشق
توی سرت آواز می‌خونه
یا مرگ با لحن ید تیزش
توو نقطه‌ی پرواز می‌خونه

باید نگاه تو به در باشه
تا انتهای صبح بی فردا
ته مونده‌ی اشکو بری بالا
دس از سرت برداره این دنیا

دیگه محاله عاشقی کردن
با دست خالی خوب می‌دونم
وقتی که سهمم جاده بود و شب
ول کن منو... بدجوری داغونم

اما یه شب وقتی که تنها شی
وقتی صدای خنده‌هام گم شه
می‌فهمی که دنیات تاریکه
شاید نصیبت حرف مردم شه

پاچین عمرم رو به غم دادم
توو لحظه‌های خود خوری اما
روزی میشه دلتنگ این دل شی
جنگ می‌کنی اون روز با دنیا

وقتی نفس مهمون ابرا شه
وقتی که دنیاو رها کردم
بازم دلم پیش تو می‌مونه
حتی اگه عمرو تبا کردم

پس منتظر می‌مونم و اما
محشر گمونم دیگه غم‌ها نیس
شاید ببینم چشم تو هر چن
می‌گن که جسمی اونجا پیدا نیس

داستانک

آب و نان



محمدحسین مردانی، اصفهان

بخواه تا که بخواهم در آسمان تنت
بهاروار ببارم به باور پاییز

بیا به قهوه‌ی تلخ حقیقت آدم
از عشق و عاطفه ات شهد استعاره بریز
از آن دو مصراع چشم‌ت، که مطلع نوراست
به آسمان شب شعر من ستاره بریز

اشاره باش به انگشت گیج باور من
که بی‌تو در دل من هضم درد سنگین است
اگر تو همسفری مقصدی نمی‌خواهم
کنار تو نرسیدن همیشه شیرین است

به او بگویند دوستش دارم



عباس دوانی، گرگان

به او بگویند دوستش دارم
اما آرام
طوری که باد از باد تکان نخورد
و بعد بلیط های قطار را پاره کنی
اتوبوس‌ها
هواپیماها
و تاکسی‌های نارنجی

و هر چیزی که بوی رفتن می‌دهد
طوری که هیچ‌کس
در هیچ کجای جهان
نقشه‌ای برای رفتن نداشته باشد
بعد نوبت خانه‌هاست
تا از دیوارهایشان چشم بپوشند
نوبت خیابان‌هاست تا شلوغ شود

از بوسه‌های عاشقانه
مردمان تکراری
که به هم سلام می‌کنند
بدون آنکه کلاهی از سر برداشته باشند
به او بگویند دوستش دارم

اما آرام
طوری که کسی شورش نکند
بعد نوبت پلیس‌هاست مرخص شوند
دارها را بیاورند
درخت بکاریم
باطوم‌ها را عصا
نوبت جنگ‌هاست تمام شود
نوبت تفنگ‌ها

شعر گلستان

خانه‌ی شهریوری‌ها



محمد رضا فولادی، بندر ترکمن

کنارم گر چه جمعی از پری‌هاست
وجود زخمی ناباوری‌هاست
خودم مردادی‌ام اما دل من
همیشه خانه‌ی شهریوری‌هاست

دورشته چشمه‌ی جادو



مهدی رحیمی، گرگان

دوباره جوشش شعری جدید در سر من...
نشانه دست قلم را به روی دفتر من
شکست ابر خیال و دوباره طوفان شد
دو چشم دلهره‌خیزت: پناه آخر من

دو رشته چشمه‌ی جادو، سیاه و آتشیبار
دو خط! قرین و مورب دو خنجر کجدار
لبی به سرخی هر لحظه خون دل خوردن
و شانه‌های نجیبی خمیده از اجبار

من و تو در غم این فصل سرد همدردیم
در عصر یائسه‌ی سیم و آهن و سیمان
در این جهان پر از اجتماع تنهایی
در این تنازع بدخیم گونه‌ی انسان

شراب تاک تنت، رنگ غم گرفته عزیز
بلوغ پیرهن از نگاه شد سرریز

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی
اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳
آئین نامه قانون تعیین تکلیف

[illegible]

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی بر ابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف

[illegible]

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی
اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳
آئین نامه قانون تعیین تکلیف

[illegible]

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی
اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳
آئین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر آراء صادره هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و امتحان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بااعمارض محمد حسن زکریاته بشماره ملی ۱۳۳۸-۵۸۱۶۳۸ متقاضی باکس پرونده ۳۳۳۳-۱۴۰۱۱۴۴۴۴۴ در شناساندن عرصه و اعیان یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۶۸۱۶۳۸ مترمربع از پلاک ۱۷- اصلی واقع در اراضی زکریاته بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گران قیون رای صادره حکایت از تصرف متقاضی دارد. ۲- یک ششمی زمین زکریاته بشماره ملی ۱۳۳۸-۱۲۰۳۳۷۶۱ متقاضی باکس پرونده ۳۳۳۸-۱۴۰۱۱۴۴۴۴۴۴ در شناساندن عرصه و اعیان یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۲۰۳۳۷۶۱ مترمربع از پلاک ۱۷- اصلی واقع در اراضی زکریاته بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گران قیون رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد. ۳- یک ششمی زمین زکریاته بشماره ملی ۱۳۳۸-۱۲۰۳۳۷۶۱ متقاضی باکس پرونده ۳۳۳۸-۱۴۰۱۱۴۴۴۴۴۴ در شناساندن عرصه و اعیان یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۲۰۳۳۷۶۱ مترمربع از پلاک ۱۷- اصلی واقع در اراضی زکریاته بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گران قیون رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد. لذا به منظور اطلاع اربابان ذی‌نفع و عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی می‌شود از این رو شاخصی که نسبت به رای صادره فوق‌الذکر اعتراض داشته باشند متبرکتان از این اخطار اطلاع یابند و بابت خود را به این اخطار و شماره ثبت اراضی به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه به تاریخ تسلیم اعتراض می‌توانند به مرجع ثبتی داخلشماره خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به این اداره ارائه نمایند.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵-۰۵-۰۵
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵-۰۶-۰۵
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵-۰۵-۰۵
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵-۰۶-۰۵
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵-۰۵-۰۵
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵-۰۶-۰۵

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی
اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳
آئین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر آراء صادره هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت نژادی اراضی و ساختارهای اقلاد سند رسمی مستعین و واحد ثبت ۱۴۰۰:۱۴۰۱:۱۴۰۲:۱۴۰۳:۱۴۰۴:۱۴۰۵:۱۴۰۶:۱۴۰۷:۱۴۰۸:۱۴۰۹:۱۴۱۰:۱۴۱۱:۱۴۱۲:۱۴۱۳:۱۴۱۴:۱۴۱۵:۱۴۱۶:۱۴۱۷:۱۴۱۸:۱۴۱۹:۱۴۲۰:۱۴۲۱:۱۴۲۲:۱۴۲۳:۱۴۲۴:۱۴۲۵:۱۴۲۶:۱۴۲۷:۱۴۲۸:۱۴۲۹:۱۴۳۰:۱۴۳۱:۱۴۳۲:۱۴۳۳:۱۴۳۴:۱۴۳۵:۱۴۳۶:۱۴۳۷:۱۴۳۸:۱۴۳۹:۱۴۴۰:۱۴۴۱:۱۴۴۲:۱۴۴۳:۱۴۴۴:۱۴۴۵:۱۴۴۶:۱۴۴۷:۱۴۴۸:۱۴۴۹:۱۴۵۰:۱۴۵۱:۱۴۵۲:۱۴۵۳:۱۴۵۴:۱۴۵۵:۱۴۵۶:۱۴۵۷:۱۴۵۸:۱۴۵۹:۱۴۶۰:۱۴۶۱:۱۴۶۲:۱۴۶۳:۱۴۶۴:۱۴۶۵:۱۴۶۶:۱۴۶۷:۱۴۶۸:۱۴۶۹:۱۴۷۰:۱۴۷۱:۱۴۷۲:۱۴۷۳:۱۴۷۴:۱۴۷۵:۱۴۷۶:۱۴۷۷:۱۴۷۸:۱۴۷۹:۱۴۸۰:۱۴۸۱:۱۴۸۲:۱۴۸۳:۱۴۸۴:۱۴۸۵:۱۴۸۶:۱۴۸۷:۱۴۸۸:۱۴۸۹:۱۴۹۰:۱۴۹۱:۱۴۹۲:۱۴۹۳:۱۴۹۴:۱۴۹۵:۱۴۹۶:۱۴۹۷:۱۴۹۸:۱۴۹۹:۱۵۰۰:۱۵۰۱:۱۵۰۲:۱۵۰۳:۱۵۰۴:۱۵۰۵:۱۵۰۶:۱۵۰۷:۱۵۰۸:۱۵۰۹:۱۵۱۰:۱۵۱۱:۱۵۱۲:۱۵۱۳:۱۵۱۴:۱۵۱۵:۱۵۱۶:۱۵۱۷:۱۵۱۸:۱۵۱۹:۱۵۲۰:۱۵۲۱:۱۵۲۲:۱۵۲۳:۱۵۲۴:۱۵۲۵:۱۵۲۶:۱۵۲۷:۱۵۲۸:۱۵۲۹:۱۵۳۰:۱۵۳۱:۱۵۳۲:۱۵۳۳:۱۵۳۴:۱۵۳۵:۱۵۳۶:۱۵۳۷:۱۵۳۸:۱۵۳۹:۱۵۴۰:۱۵۴۱:۱۵۴۲:۱۵۴۳:۱۵۴۴:۱۵۴۵:۱۵۴۶:۱۵۴۷:۱۵۴۸:۱۵۴۹:۱۵۵۰:۱۵۵۱:۱۵۵۲:۱۵۵۳:۱۵۵۴:۱۵۵۵:۱۵۵۶:۱۵۵۷:۱۵۵۸:۱۵۵۹:۱۵۶۰:۱۵۶۱:۱۵۶۲:۱۵۶۳:۱۵۶۴:۱۵۶۵:۱۵۶۶:۱۵۶۷:۱۵۶۸:۱۵۶۹:۱۵۷۰:۱۵۷۱:۱۵۷۲:۱۵۷۳:۱۵۷۴:۱۵۷۵:۱۵۷۶:۱۵۷۷:۱۵۷۸:۱۵۷۹:۱۵۸۰:۱۵۸۱:۱۵۸۲:۱۵۸۳:۱۵۸۴:۱۵۸۵:۱۵۸۶:۱۵۸۷:۱۵۸۸:۱۵۸۹:۱۵۹۰:۱۵۹۱:۱۵۹۲:۱۵۹۳:۱۵۹۴:۱۵۹۵:۱۵۹۶:۱۵۹۷:۱۵۹۸:۱۵۹۹:۱۶۰۰:۱۶۰۱:۱۶۰۲:۱۶۰۳:۱۶۰۴:۱۶۰۵:۱۶۰۶:۱۶۰۷:۱۶۰۸:۱۶۰۹:۱۶۱۰:۱۶۱۱:۱۶۱۲:۱۶۱۳:۱۶۱۴:۱۶۱۵:۱۶۱۶:۱۶۱۷:۱۶۱۸:۱۶۱۹:۱۶۲۰:۱۶۲۱:۱۶۲۲:۱۶۲۳:۱۶۲۴:۱۶۲۵:۱۶۲۶:۱۶۲۷:۱۶۲۸:۱۶۲۹:۱۶۳۰:۱۶۳۱:۱۶۳۲:۱۶۳۳:۱۶۳۴:۱۶۳۵:۱۶۳۶:۱۶۳۷:۱۶۳۸:۱۶۳۹:۱۶۴۰:۱۶۴۱:۱۶۴۲:۱۶۴۳:۱۶۴۴:۱۶۴۵:۱۶۴۶:۱۶۴۷:۱۶۴۸:۱۶۴۹:۱۶۵۰:۱۶۵۱:۱۶۵۲:۱۶۵۳:۱۶۵۴:۱۶۵۵:۱۶۵۶:۱۶۵۷:۱۶۵۸:۱۶۵۹:۱۶۶۰:۱۶۶۱:۱۶۶۲:۱۶۶۳:۱۶۶۴:۱۶۶۵:۱۶۶۶:۱۶۶۷:۱۶۶۸:۱۶۶۹:۱۶۷۰:۱۶۷۱:۱۶۷۲:۱۶۷۳:۱۶۷۴:۱۶۷۵:۱۶۷۶:۱۶۷۷:۱۶۷۸:۱۶۷۹:۱۶۸۰:۱۶۸۱:۱۶۸۲:۱۶۸۳:۱۶۸۴:۱۶۸۵:۱۶۸۶:۱۶۸۷:۱۶۸۸:۱۶۸۹:۱۶۹۰:۱۶۹۱:۱۶۹۲:۱۶۹۳:۱۶۹۴:۱۶۹۵:۱۶۹۶:۱۶۹۷:۱۶۹۸:۱۶۹۹:۱۷۰۰:۱۷۰۱:۱۷۰۲:۱۷۰۳:۱۷۰۴:۱۷۰۵:۱۷۰۶:۱۷۰۷:۱۷۰۸:۱۷۰۹:۱۷۱۰:۱۷۱۱:۱۷۱۲:۱۷۱۳:۱۷۱۴:۱۷۱۵:۱۷۱۶:۱۷۱۷:۱۷۱۸:۱۷۱۹:۱۷۲۰:۱۷۲۱:۱۷۲۲:۱۷۲۳:۱۷۲۴:۱۷۲۵:۱۷۲۶:۱۷۲۷:۱۷۲۸:۱۷۲۹:۱۷۳۰:۱۷۳۱:۱۷۳۲:۱۷۳۳:۱۷۳۴:۱۷۳۵:۱۷۳۶:۱۷۳۷:۱۷۳۸:۱۷۳۹:۱۷۴۰:۱۷۴۱:۱۷۴۲:۱۷۴۳:۱۷۴۴:۱۷۴۵:۱۷۴۶:۱۷۴۷:۱۷۴۸:۱۷۴۹:۱۷۵۰:۱۷۵۱:۱۷۵۲:۱۷۵۳:۱۷۵۴:۱۷۵۵:۱۷۵۶:۱۷۵۷:۱۷۵۸:۱۷۵۹:۱۷۶۰:۱۷۶۱:۱۷۶۲:۱۷۶۳:۱۷۶۴:۱۷۶۵:۱۷۶۶:۱۷۶۷:۱۷۶۸:۱۷۶۹:۱۷۷۰:۱۷۷۱:۱۷۷۲:۱۷۷۳:۱۷۷۴:۱۷۷۵:۱۷۷۶:۱۷۷۷:۱۷۷۸:۱۷۷۹:۱۷۸۰:۱۷۸۱:۱۷۸۲:۱۷۸۳:۱۷۸۴:۱۷۸۵:۱۷۸۶:۱۷۸۷:۱۷۸۸:۱۷۸۹:۱۷۹۰:۱۷۹۱:۱۷۹۲:۱۷۹۳:۱۷۹۴:۱۷۹۵:۱۷۹۶:۱۷۹۷:۱۷۹۸:۱۷۹۹:۱۸۰۰:۱۸۰۱:۱۸۰۲:۱۸۰۳:۱۸۰۴:۱۸۰۵:۱۸۰۶:۱۸۰۷:۱۸۰۸:۱۸۰۹:۱۸۱۰:۱۸۱۱:۱۸۱۲:۱۸۱۳:۱۸۱۴:۱۸۱۵:۱۸۱۶:۱۸۱۷:۱۸۱۸:۱۸۱۹:۱۸۲۰:۱۸۲۱:۱۸۲۲:۱۸۲۳:۱۸۲۴:۱۸۲۵:۱۸۲۶:۱۸۲۷:۱۸۲۸:۱۸۲۹:۱۸۳۰:۱۸۳۱:۱۸۳۲:۱۸۳۳:۱۸۳۴:۱۸۳۵:۱۸۳۶:۱۸۳۷:۱۸۳۸:۱۸۳۹:۱۸۴۰:۱۸۴۱:۱۸۴۲:۱۸۴۳:۱۸۴۴:۱۸۴۵:۱۸۴۶:۱۸۴۷:۱۸۴۸:۱۸۴۹:۱۸۵

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی
اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳
آئین نامه قانون تعیین تکلیف

[illegible]

مستطير

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی
راضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی بر ابر ماده ۳ و ماده ۱۳
آئین نامه قانون تعیین تکلیف

[illegible]

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی
 راضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی بر ابر ماده ۳ و ماده ۱۳
 آئین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر آراء صادره هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی استخرهای اراضی فاقد سند رسد.
 و بنده در اجابت تصورات مالکانه بلاعلازم اربابی بنشماره ۱۰۴۸/۱۳۳۸/۱ مقننای ششماه
 ۱۳۹۰/۱۰/۱۹۴۰ در ششاندگن عینی کار قطعه زمین مزروعی بنشماره ۱۲۲ سهم مشا
 ۱۸۰ سهم ششاندگن کار قطعه زمین مزروعی که ۱۸ سهم مشاع از ۱۸۰ سهم ششاندگن عرصه و وقف
 است به مساحت ۳۴۴۸۸ متر مربع از پلاک شماره ۷۵- اقلی و در اراضی استخرچال شش ۳ حوز
 در گران طبق رای صادره حکایت از تصرفات مالکانه و لذا به منظور ابطال عموم اراض
 در نویت به فاصله پانزده روز از آگاهی میشود از این رو استخاشی که نسبت به رای صادره وفق الذکر
 اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ استخاش اولین آگاهی بحدت دو ماه اعتراض خود را به ذکر شمار
 و بنده به این دلیل تسلیم و پای اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ اعتراض به مرجع ثبت
 ادخواس خود را در به مرجع قضائی تقدیم و آگاهی تقدیم دادخواست را در به اداره ارائه نمایند
 تاریخ استخاش نویت ۱۴۰۰/۰۷/۱۵
 مدعی می رسد از این جهت اسناد و املاک منطقه دو در گران ظرف مهلت چهارم خردادماه ۱۴۰۰/۰۷/۱۵

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی
راضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی بر ابر ماده ۳ و ماده ۱۳
آئین نامه قانون تعیین تکلیف

[illegible]

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی
راضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی بر ابر ماده ۳ و ماده ۱۳
آئین نامه قانون تعیین تکلیف

[illegible]

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی
راضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی بر ابر ماده ۳ و ماده ۱۳
آئین نامه قانون تعیین تکلیف

[illegible]

پید عیسی میر کاظمی رئیس ادارہ ثبت اسناد و املاک منطقه دو گران از طرف مہناز جہانفر شناسہ آگہی ۲۶۱۱۳۰

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی
ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳
آئین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر آراء صادره هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت پهنی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبت تصورات مالکانه بااعراض ذاتی اراضی بشماره لی ۲۲۹۹۹۸۸۸ متقاضی بهای پوربند ۱۳۳۴-۱۳۳۵ تصورات مالکانه بااعراض ذاتی اراضی بشماره لی ۱۵۰۱۱۱۱۱۱۱۱ متقاضی بهای پوربند ۳۳۰۳ مترمربع از پلاک ۳- اصلی واقع در اراضی اوزینه بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۱ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متصرفان دارد لذا به منظور اعلام عموم مراتب در دو نوبت فاصله پانزده روز از تاریخ هیئت مینویسد و این اشخاص که نسبت به رای صادره قوی اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پوربند به این هیئت تسلیم و پس از تاریخ طرفت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبت ادواخاستند و خود را به مرجع فیصله قضائی تقدیم و گواهی بطلان ادواخاست را این اداره ارائه نمایند. تاریخ انتشار اولین آگهی ۱۳۰۵.۰۵.۱۷. تاریخ تسلیم اعتراض ۱۳۰۵.۰۶.۲۰. تاریخ تسلیم ادواخاست ۱۳۰۵.۰۷.۱۵.

[illegible]

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی
راضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳
این نامه قانون تعیین تکلیف

[illegible]

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی
راضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳
آئین نامه قانون تعیین تکلیف

[illegible]

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی
راضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳
آئین نامه قانون تعیین تکلیف

[illegible]

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی
راضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳
آئین نامه قانون تعیین تکلیف

[illegible]

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی
 اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۳
 آئین نامه قانون تعیین تکلیف

[illegible]

۲. حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد. لذا به منظور اطلاع عموم

۱۴۰۵.۰۵.۱۷ تاریخ انتشار نوبت اول: مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم و گواهی تقدیم درخواست را به این اداره ارائه نمایان
۱۴۰۵.۰۶.۲۰ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵.۰۶.۲۰
۱۳۸۲/۱۲/۲۷ دیدعبسی میرکاظمی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو گرگان از طرف مهناز جهانفر شناسه اگهی ۱۳۸۲/۱۲/۲۷

آنگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی راضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابرماده ۳ وماده ۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف

اداره فقه الذکر اعراض داشته باشند. متعینان از تاریخ انتشار این آگهی به مدت دو ماهه اعراض نخواهد داشت.

ی‌تی دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به این اداره ارائه نمایند.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵.۰۵.۱۷ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵.۰۶.۰۲
پید عیسی میر کاظمی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو گرگان - ظرف مهلت چهارهفت‌شنبه آگهی ۳۴۱۴۰۵

قفل ۱۳ ساله آقدکش شکست



و کاهش منابع زیرزمینی همچنان با الگوی گذشته به نیازهای شرب، کشاورزی و صنعت پاسخ دهد و توسعه سدها، مدیریت منابع موجود و استفاده از ظرفیتهایی مانند شیرین سازی آب دریا باید در یک بسته جامع دنبال شود. سنگدوینی با اشاره به پیگیریهای انجام شده برای تامین اعتبار سدهای گلستان گفت: پس از برگزاری جلسات با مسوولان ارشد کشور، مقرر شد از ظرفیت مولدسازی داراییها برای تامین منابع مورد نیاز پروژههای سدسازی و طرحهای آبی استفاده شود. حدود ۲۰ روز پیش نیز در جلسهای با وزیر امور اقتصادی و دارایی، موضوع تامین منابع مالی پروژههای آبی استان با حضور جمعی از نمایندگان و مسوولان گلستان پیگیری و مقرر شد اقدامات لازم در این زمینه انجام شود. وی همچنین بیان کرد: در دیدار با رئیس سازمان برنامه و بودجه، موضوع تامین اعتبار سد آقدکش مطرح شد و مسوولان مربوطه بر پیگیری و استفاده از ظرفیت مولدسازی برای تامین منابع این پروژه تاکید کردند. به گفته سنگدوینی؛ تامین آب آشامیدنی و حفظ ظرفیتهای کشاورزی گلستان موضوع قابل تعویق نیست و باید با نگاه بلندمدت و متناسب با شرایط جدید اقلیمی برای آینده منابع آب استان تصمیم گیری شود. یکی از پیش نیازهای مهم سرمایه گذاری و توسعه استان ضرورت نگاه بلندمدت و ایجاد زیرساختهای پایدار است که اهمیت این نگاه در حوزه آب بیش از هر بخش دیگری است چراکه توسعه اقتصادی بدون زیرساخت آب می تواند به جای فرصت به بحران تبدیل شود. تجربه سالهای گذشته نیز نشان داده که پروژههای آبی در ایران تنها با ساخت سازه به پایان نمی رسند و تامین اعتبار، تملک اراضی، جابه جایی و پرداخت مطالبات، بهره برداری، نگهداری و مهم تر از همه تعیین الگوی مصرف بخشهای دیگری از این زنجیره هستند. آقدکش می تواند سیلاب را مهار کند، بخشی از آب را ذخیره سازد، به کشاورزی و صنعت کمک کند و پشتوانه ای برای توسعه شمال استان باشد اما اگر همزمان الگوی کشت اصلاح نشود، آبیاری نوین گسترش نیابد، صنایع تبدیلی توسعه پیدا نکنند، برداشت از منابع زیرزمینی کنترل نشود و ملاحظات زیست محیطی نادیده گرفته شود، سد تنها بخشی از مساله را حل خواهد کرد. سد آقدکش ظرفیت عبور ۱۵۰ متر مکعب بر ثانیه سیلاب را دارد که شامل سد بتنی به ارتفاع ۶ متر، طول تاج ۸۰ متر و دیواره های حفاظتی ساحل چپ و راست به طول پنج هزار و ۱۰۰ متر است. عملیات اجرایی ساخت سد آقدکش بر روی رودخانه گرگانرود در بالادست آق قلا از سال ۱۳۹۲ آغاز شده بود و قرار بود سال ۱۳۹۵ مورد بهره برداری قرار بگیرد. حجم مخازن ذخیره احداثی سد آقدکش ۱۷.۵ میلیون متر مکعب است که از این حجم ۷.۵ میلیون متر مکعب برای انحراف سیلاب و مابقی مربوط به ذخیره سیلاب برای تامین آب کشاورزی و صنعت است. همچنین کنترل سیل و ایمن کردن شهر و روستاهای اطراف، تامین آب صنایع در بالادست شمال آق قلا، بهبود وضعیت کشاورزی منطقه و حفظ مسائل زیست محیطی در انتهای حوزه گرگانرود از جمله اهداف احداث این سد است.

آن زمان امکان هدایت و کنترل دبی اوج سیلاب با استفاده از ظرفیت سد وجود داشت، می توانستیم بخش قابل توجهی از این جریان را مدیریت کرده و از ورود حجم زیادی از آب به سیلاب دشت جلوگیری کنیم.

توسعه اقتصادی در انتظار آب

یکی دیگر از ابعاد کمتر دیده شده آقدکش ارتباط آن با آینده اقتصادی شمال گلستان است. توسعه منطقه

زمان تمرکز آب در بسیاری از حوضه های آبریز استان باعث می شود بارش در مدت کوتاهی به رواناب تبدیل شده و با سرعت به سمت پایین دست حرکت کند. مساله زمانی پیچیده تر می شود که بخش عمده مصرف آب گلستان به کشاورزی اختصاص دارد و بهره وری پایین شبکه انتقال و آبیاری، بخش قابل توجهی از منابع را پیش از رسیدن به مرحله تولید هدر می دهد از سویی دیگر شیب دار بودن حدود ۱۱۰ هزار هکتار از اراضی استان و فرسایش شدید خاک به ویژه در شرق گلستان نیز این مساله را

شرایط منابع آب آشامیدنی و کشاورزی استان مناسب نیست و تکمیل و اجرای سدهای مهمی همچون آقدکش، کبودوال و میرداماد باید به عنوان یکی از اولویتهای اصلی تامین آب گلستان دنبال شود

آزاد اینچه برون و شکل گیری شهرک هزار هکتاری ترک به زیرساختهای پایدار از جمله منابع آب نیاز دارد. توسعه صنعتی بدون آب پایدار عملاً با یک سقف محدود مواجه است و هر سرمایه گذاری جدید در این منطقه، دیر یا زود با این پرسش روبه رو خواهد شد که منبع آب آن کجاست؟ نماینده مردم گرگان و آق قلا در مجلس شورای اسلامی نیز در تشریح وضعیت منابع آبی گلستان بر ضرورت اجرای مجموعه ای از طرحهای آبی تاکید کرده و آقدکش را در کنار دیگر طرحهای آبی استان، بخشی از راه حل تامین آب و توسعه منطقه دانست. رمضانعلی سنگدوینی با اشاره به تشدید خشکسالی و ضعف زیرساختهای آبی گلستان افزود: شرایط منابع آب آشامیدنی و کشاورزی استان مناسب نیست و تکمیل و اجرای سدهای مهمی همچون آقدکش، کبودوال و میرداماد باید به عنوان یکی از اولویتهای اصلی تامین آب گلستان دنبال شود. از نگاه نماینده مردم گرگان و آق قلا در مجلس شورای اسلامی؛ گلستان نمی تواند در شرایط خشکسالی

پیچیده تر کرده طوری که نرخ فرسایش در برخی مناطق به حدود ۹۰ تن در هکتار در سال می رسد. مدیرعامل شرکت آب منطقه ای گلستان از راندمان حدود ۳۰ تا ۳۱ درصدی انتقال آب سخن گفته و بر توسعه آبیاری نوین، اصلاح الگوی کشت و تکمیل زنجیره صنایع تبدیلی به عنوان راهکارهای افزایش بهره وری تاکید دارد که با این تفاسیر آقدکش را نمی توان تنها با مترمکعب آب ذخیره شده سنجید بلکه ارزش واقعی آن زمانی آشکار می شود که آب ذخیره شده با بهره وری بیشتر، الگوی کشت مناسب تر و صنایع مولد همراه شود. حیدریان با اشاره به پیشرفت پروژه سد آقدکش، از بهره برداری این سد در هفته دولت خبر داد و گفت: این سد در ابتدای فعالیت دولت چهاردهم ۳۸ درصد پیشرفت فیزیکی داشت که با یک جهش قابل توجه، اکنون در آستانه بهره برداری قرار گرفته است. وی با اشاره به سیلاب سال ۱۳۹۸ و آبگرفتگیهای گسترده در آق قلا توضیح داد: با بررسی سیلاب سال ۹۸ و آبگرفتگیهای شهر آق قلا، نقش اساسی این سد در کنترل سیلاب کاملاً مشخص می شود. اگر در

سد آقدکش شهرستان آق قلا پس از ۱۳ سال انتظار، در آستانه بهره برداری قرار گرفته و قرار است در هفته دولت به عنوان یکی از طرحهای مهم آبی گلستان به بهره برداری برسد؛ پروژه ای که با تسریع روند تکمیل آن در دولت چهاردهم، حالا می تواند با مهار سیلاب و ذخیره سازی آب ضمن کاهش خسارت های سیلابی، پشتوانه ای برای تامین آب کشاورزی و تولید و گامی در مسیر توسعه شمال استان باشد. به گزارش ایرنا، رودخانه گرگانرود در سالهای کم بارش، گلستان را با بحران آب روبه رو می کند و در بارش های سنگین می تواند به سیلابی ویرانگر تبدیل شود، همزمان یک فرصت و یک تهدید است و حالا سد آقدکش در نقطه ای قرار گرفت که قرار است این دو چهره متضاد آب را مدیریت کند؛ سدی که هدف آن علاوه بر ذخیره آب، کنترل سیلاب، تامین آب کشاورزی و صنعت، توسعه آبی پروری و گردشگری و ایجاد پشتوانه آبی برای توسعه اقتصادی شمال گلستان است. آقدکش بر اساس برنامه قرار است بخشی از آورد سیلابی رودخانه را از مسیر اصلی منحرف و در مخزن ذخیره کند که این سازوکار، در صورت بهره برداری صحیح می تواند همزمان دو مساله کاهش شدت سیلاب در پایین دست و استفاده از آبی که در شرایط عادی ممکن است از دسترس خارج شود را هدف بگیرد. اهمیت این موضوع را شاید بیش از هر چیز بتوان در حافظه سیلابی گلستان جست و جو کرد؛ سیل سال ۱۳۹۸ که بخش بزرگی از استان به ویژه آق قلا و مناطق پیرامونی آن را درگیر کرد نشان داد مدیریت سیلاب بدون زیرساختهای مهار و ذخیره سازی آب تا چه اندازه پرهزینه خواهد بود. مدیرعامل شرکت آب منطقه ای گلستان، پیش تر با اشاره به نقش آقدکش در مدیریت سیلاب تاکید کرده بود که اگر این سد در زمان سیلاب سال ۱۳۹۸ در مدار بهره برداری قرار داشت، می توانست در کنترل بخشی از دبی پیک سیلاب موثر باشد. به گفته ایرج حیدریان «دبی اوج سیلاب آن سال حدود ۸۲۵ مترمکعب بر ثانیه بود» که این رقم ابعاد فاجعه را نشان می دهد اما اهمیت آقدکش فقط در مهار سیلاب خلاصه نمی شود بلکه آبی است که می تواند از تهدید به سرمایه تبدیل شود.

گام بلند دولت برای مهار سیلاب و تقویت تولید

گلستان با وجود قرار گرفتن در شمال کشور از نظر سرانه منابع آب در وضعیت مطلوبی قرار ندارد. سرانه آب گلستان با هزار و ۲۵۰ مترمکعب به ازای هر نفر در سال، تصویری روشن از محدودیت منابع آبی استان ارائه می دهد که نه تنها از میانگین حدود هزار و ۶۰۰ مترمکعبی کشور پایین تر است بلکه در مقایسه با استانهایی مانند مازندران، خراسان شمالی و سمنان نیز وضعیت شکننده تری را نشان می دهد. این واقعیت همچنین یک تناقض مهم را آشکار می کند که استان همیشه در معرض بارش های شدید و سیلاب، همزمان با کمبود آب پایدار نیز مواجه است. در واقع استان گلستان با سرانه پایین منابع آب، در زمان بارش های شدید با حجم قابل توجهی از رواناب و سیلاب مواجه می شود و کوتاه بودن